

ادامه از صفحه اول

سیاسی‌کاری یا انتخاب شهردار گره‌گشا؟

گسترش جمعیت روستاهای اطراف تهران و اضافه‌شدن روستاها به بافت شهر تهران، با قاعده و قانون همراه نبود. اکنون در مرکز روستاهایی که به تهران اضافه شده‌اند، ساخت‌وسازهای قدیمی پابرجاست؛ کوچه‌های باریک و کج‌ومعوج، گسترش تهران که با اصلاحات ارضی در زمان محمدرضا شاه، آهنگ سریعی به خود گرفت، در زمان انقلاب پذیرای مهاجران از کل کشور شد. مهاجرت‌ها در جنگ هشت‌ساله، بار مضاعفی را به تهران تحمیل کرد و رکود اقتصادی در شهرهای کوچک هم بر موج مهاجرت افزود. همیشه شهرداری‌ها، به‌ویژه شهرداری‌تهران، با حاشیه روبه‌رو بوده است و شهرداران در مرکز حوادث قرار داشته‌اند؛ از شهردار آرام و بی‌حاشیه‌ای مانند «مهام» در دوره محمدرضا شاه گرفته تا شهردار نوگرای اواخر این دوره، غلامرضا نیکی‌بی که بعد از انقلاب اعدام شد. بعد از انقلاب، نیز کسانی که بر کرسی شهرداری تهران تکیه زدند، بی‌حاشیه نبودند؛ بگذریم از معدنی بی‌بی و سیدمرتضی طباطبایی که در اوایل انقلاب و دوره جنگ، اداره شهر را بر عهده داشتند. غلامحسین کرباسچی سر از زندان درآورد؛ کسی که رخت قدیمی را از تن شهر کاستری تهران درآورد و قصد داشت تهران را شاد کند، در دوره او، کشتارگاه شهر به فرهنگسرا تبدیل شد و هر منطقه صاحب خانه فرهنگ شد و با وجود برج آزادی که نماد تهران بود، برج میلاد قد کشید. محمود احمدی‌نژاد هم مشق سیاست را در راهروهای شهرداری تهران شروع کرده بود، به پاس‌تور کوچید و شد رئیس‌جمهور و محمدباقر قالیباف که می‌توانست در همان سال نظام خدمت کند، رخت‌ولباس از تن درآورد و با پوشیدن کت‌وشلوار سفید، از بالای شاه‌های محمود احمدی‌نژاد، نیم‌نگاهی به کاخ ریاست‌جمهوری انداخت؛ اما در سه انتخابات ناکام ماند. فصل پنجم قانون اساسی به حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن می‌پردازد و در فصل ششم، قوای سه‌گانه و شورای نگهبان بر قانون اساسی را تعریف می‌کند و درست بعد از شرح ۴۴ اصل از قانون اساسی، به فصل هفتم از قانون اساسی یعنی شوراها می‌رسیم که در اصل صدم تا صدوششم، به مهم‌ترین بخش از قانون اساسی یعنی شوراها پرداخته می‌شود. در واقع اگر مطبوعات را رکن چهارم آزادی بدانیم، بر اساس قانون اساسی، شوراها را باید رکن پنجم آن دانست؛ تاجایی‌که برابر اصل ۱۰۱ قانون اساسی، شورای عالی استان‌ها از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود و در اصل ۱۰۲ این حق برای شورای عالی استان‌ها لحاظ شده است که در حدود وظایف خود، مانند نمایندگان مجلس طرح‌هایی تهیه و مستقیما یا از طریق دولت به مجلس پیشنهاد کنند. اگر قوه مجریه می‌تواند با تقدیم لوایح قانونی به مجلس، مقدمات قانون‌گذاری را فراهم کند و اگر نمایندگان مجلس با ارائه طرح‌های قانونی می‌توانند قانون‌گذاری کنند، شورای عالی استان‌ها هم بر اساس اصل ۱۰۲ قانون اساسی، قادر به قانون‌گذاری از طریق قوه مقننه هستند. آیا اعضای شورای شهر تهران، قصد سیاسی‌کاری دارند و شهرداری را انتخاب خواهند کرد که از فراز ساختمان شهرداری، نیم‌نگاهی به ساختمان پاس‌تور خواهد داشت یا شهردار منتخب قصد دارد شهری بسازد که بتوان در آن سکونت کرد، بافت فرسوده را سامان دهد و به‌جای احداث خیابان و بزرگراه جدید و دوطبقه در مرکز شهر، راه برون‌رفت را در احداث مترو ببیند و با روان‌سازی و ارزان‌کردن رفت‌وآمد در داخل شهر با وسایل نقلیه عمومی، رفت‌وآمد با وسیله نقلیه شخصی را از صفره بیندازد؟ اعضای شورا می‌توانند برنامه کاری کاندیداهای احتمالی را برای اداره شهر تهران بخواهند تا با بررسی برنامه کاندیداهای به مناسب‌ترین گزینه برای اداره شهر تهران برسد.

جل‌الخالق از این‌همه هوش

...وابسته به جریان دل‌وایس، برای توجیه این حرکت دشمن‌شادکن دوستان خود که تیر شمع‌افکنیز رسانه‌های صهیونیستی هم شد، در تحلیلی بسیار کارشناسانه و دقیق! مدعی شدند «چپ‌سا عناصر مأموریت‌داری (البته عوامل آن را وزارت اطلاعات شناسایی کرده است) برنامه داشته‌اند تا از این طریق برای روحانی مظلوم‌نمایی کنند». جل‌الخالق از این‌همه هوش و شم بالای سیاسی!! حال از این کارشناسانه زبده سیاسی! این سؤال پرسیده می‌شود: توهین‌هایی که روز جهانی قدس و نماز عید سعید فطر از یک تریبون مقدس و عمومی متعلق به همه ملت، علیه رئیس‌جمهوری محترم و محبوب مردم، انجام شد و صداسویمما هم که اصلا یا واژه «سانسور» است! نیست، برای بهره‌برداری مردم در سراسر کشور، آن را به‌طور کامل و مستقیم به سمع و نظر مردم رساند و گزارشی خبری نیز از برخی ابیات آن بازپخش و رسالت رسانه‌ای خود را کامل ایفا کرد، چگونه با «مظلوم‌نمایی» قابل تفسیر و تاویل است؟ آیا به ستاد نماز جمعه یا صداسویمما هم از سوی دولت، برای مظلوم‌نمایی رئیس‌جمهور، مأموریت ویژه داده شده بود؟ یا مداح معروف و پرحرارت، عامل و اجیرشده مقامات دولتی، برای مظلوم‌نمایی بیشتر دکتر روحانی بوده است؟ راه‌نمایی و تحلیل کارشناسانه این افراد دل‌وایس، برای مردم ایران به‌ویژه حامیان دولت روحانی، مزید امتنان خواهد بود.



کریس کوک از جمله کارشناسان معتبر بین‌المللی نفت محسوب می‌شود. او سال‌ها مسئولیت بورس نفت لندن را برعهده داشته است. این محقق ارشد دانشگاه UCL لندن، در یادداشت اختصاصی خود برای «شرق» به موضوع قرارداد ایران با شرکت توتال اشاره کرده و استدلال می‌کند قراردادهای انرژی ایران می‌تواند منافع هر دو طرف (یعنی ایران و شرکت‌های بزرگ خارجی) را به شکل مطلوبی تأمین کند. این مشاور استراتژیک بازار انرژی، در بخش دیگری از یادداشت خود به بررسی ابعاد دیپلماسی انرژی ایران پرداخته و آن را ذیل عنوان «هوشمند» توصیف می‌کند که ایس «هوشمندی» ناظر بر مشارکت و تأمین منافع طرفین قرارداد تعریف می‌شود. از نظر این کارشناس بین‌المللی، استراتژی الزاما به معنای «رقابت» نیست، بلکه می‌تواند به معنای همکاری برای حفظ و حراست از منافع هم باشد.

متن کامل یادداشت کریس کوک در ادامه بخوانید:

خبرهای مربوط به امضای قرارداد بین ایران و شرکت توتال برای فاز ۱۱ پارس جنوبی بیش از هر چیز می‌تواند یک نقطه تحول مهم در بازارهای انرژی جهانی تلقی شود. بسیاری از ناظران بازارها که سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و توسعه منابع انرژی ایران را دنبال می‌کنند، عمداً بر تعادل بین دو مؤلفه «خطر یا ریسک» و «بازگشت سرمایه و سود آن» تمرکز دارند و آن را عامل تعیین‌کننده‌ای می‌دانند. اظهارات مدیرعامل توتال حاکی از آن است که گویا مدل جدید قراردادهای نفتی ایران (موسوم به IPC) روش مناسبی از تعامل این دو مؤلفه ارائه کرده و به‌همین‌دلیل نظر سرمایه‌گذارانی مانند توتال برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران مثبت شده است.

به نظر من اولین (و مهم‌ترین) حنبه این مدل قراردادی آن است که درک کنیم منافع طرفین قرارداد (در اینجا ایران و شرکت توتال) چگونه تأمین خواهد شد؟ آن‌گونه که در گزارش‌ها آمده، ظاهراً قرار نیست تبادل‌ات نقدی با شرکت توتال از طریق سیستم بانکی

(و به شکل مستقیم) انجام شود، بلکه تسویه مبالغ از طریق معاوضه حامل‌های انرژی هیدروکربنی انجام می‌شود؛ بنابراین آنچه درباره فاز ۱۱ می‌بینیم، می‌تواند یک مدل جدید از «معاوضه انرژی» یا «سوآپ انرژی» باشد. بدین معنا که توتال با فناوری روز، مهارت‌ها، تجربیات و سرمایه‌های خود در فاز ۱۱ گاز طبیعی (هیدروکربن) تولید خواهد کرد و به‌ازای ارزش آن نیز میعانات گازی دریافت می‌کند.چنین مدلی از سوآپ انرژی گاهی در قرن‌های پیش نیز تجربه شده است. جیمز وات در سال ۱۷۷۸ موتور بخار خود را در اختیار صاحبان معادن زغال‌سنگ قرار داد تا آب را از برخی معادن پمپ کنند. جیمز وات به‌ازای اجازه استفاده از موتور بخار اختراعی خود، با صاحبان معادن توافق کرد معادل ارزش یک‌سوم از زغال‌سنگی را که با استفاده از روش جدید او صرفه‌جویی می‌شود، به او پرداخت کنند. به عبارت دیگر جیمز وات اختراع و دانش فنی خود را به معدن‌کاران نفروخت، بلکه آن دانش را به‌مثابه یک «سرویس» یا «خدمت» در اختیار معدن‌کاران گذاشت و به‌جای آن سهمی از سرمایه‌ای را که از محل دانش عقلی و فکری خودش خلق شده بود دریافت کرد؛ بنابراین تعریف جدیدی برای انرژی ارائه شد، بدین معنا که انرژی الزاما یک کالا نیست، بلکه فراهم‌آورنده خدمات است.

یکی از زیبایی‌های سوآپ هوشمند توتال در فاز ۱۱ این است که مقوله قیمت‌گذاری به‌عنوان یکی از سخت‌ترین و چالشی‌ترین موضوعات مورد مناقشه در قراردادهای بلااثر کرده و در واقع نیاز به آن را کم‌رنگ‌تر می‌کند. قیمت‌گذاری قراردادهای متعارف فروش انرژی ممکن است بر حسب دلار باشد. این سنت به‌طور ثابت تقریباً در تمامی قراردادهای حوزه انرژی دیده می‌شود. حتی با وجود واگرایی اقتصادها به نسبت اقتصاد آمریکا، باز هم استفاده از واحد پولی دلار در قراادهای می‌تواند مزیت‌هایی داشته باشد؛ به‌ویژه در مقاطعی که طرفین قرارداد دچار نازعات و اختلاف‌هایی می‌شوند. با ساختار سوآپ هوشمند انرژی، قیمت‌های فروش و همچنین تعارضات موجود در حاشیه قرار می‌گیرند، زیرا انرژی در این قراردادها با «دلار» فروخته نشده و پرداخت به شرکت تحت قرارداد نیز با «دلار» انجام نمی‌شود، بلکه فرایند مربوطه از طریق «سوآپ انرژی» انجام می‌پذیرد. البته

اقتصاد

ایران و دیپلماسی هوشمند انرژی

واحد محاسباتی همچنان دلار است و هرگونه محاسبه بین نیز براساس همین ارز انجام می‌شود. از سوی دیگر طول مدت قرارداد نیز به‌گونه‌ای است که شرکت توتال نگرانی چندانی بابت به‌جریان‌انداختن سرمایه‌گذاری و استفاده از سرمایه و فناوری نخواهد داشت؛ کم‌اینکه زمان فوق بهترین فرصت برای ایران است تا بتواند دانش فنی موردنظر را اخذ و بومی‌سازی کند. آنچه در اول این یادداشت با عنوان «نقطه تحول» ذکر کردم، در واقع ناظر بر آن بود که مدل جدید قراردادهای بر پایه حذف دلار از قراردادهای تنظیم‌شده است.

عدم حق مالکیت

یکی از مهم‌ترین محورهای محل مناقشه پیرامون مدل جدید قراردادهای نفتی ایران آن بوده که چارچوب‌های حقوقی و قضائی در صورت بروز اختلافات و منازعات فی‌مابین چگونه می‌تواند در مدت‌زمان اندک و با کمترین هزینه اقدام به حل‌وفصل اختلاف‌ها کند. همچنین اینکه کدام مرجع حقوقی و قضائی صلاحیت ورود به حل اختلاف‌ها را خواهد داشت. من و همکارانم از مدت‌ها قبل با «چارچوب توافق حقوقی بی‌طرفانه» را ارائه دادیم و اسم آن را «عدم حق مالکیت» گذاشتیم. این چارچوب می‌تواند برای مراودات تجاری و بین‌المللی کاربرد داشته باشد. در این مدل هیچ‌کدام از مشارکت‌کنندگان در قرارداد به‌تثناهی قادر به اعمال‌نظر یک‌جانبه منویات خود نیستند. همچنین از سوی دیگر همه مشارکت‌کنندگان می‌توانند علیه یکی از شرکا از حق «وتو» بهره‌مند شوند.به نظر ما «چارچوب حقوقی بی‌طرفانه» می‌تواند گزینه بهتری در ساختار بازار جهانی گاز باشد. پلت‌فرم‌های کنونی بیش از هر چیز نیاز به دادگاه و اخذ حکم دارند، حال آنکه ما معتقدیم باید پلت‌فرم‌های مبتنی بر حکمیت و داوری آزاد در ساختار بازارهای جهانی گاز در صدر اقدامات قرار گیرد. ساختار موردنظر ما می‌تواند در مناطق دریایی (مانند خزر و خلیج‌فارس) اجرا شوند. من و همکارانم میدان کاری آرش را که محل اختلاف بین ایران و کویت و عربستان است، به‌عنوان کاندیدای مناسبی برای اجرای پلت‌فرم حقوقی موردنظرمان پیشنهاد می‌کنیم.

دیپلماسی انرژی

ورود محمدين سلمان به عرصه قدرت در عربستان می‌تواند حوزه انرژی منطقه را دستخوش تحولاتی

کند. به نظر من اقدامات عربستان در یمن و اولتیماتوم و حصر قطر، در راستای تثبیت موقعیت عربستان است. با این همه ایران باید همواره دیپلماسی انرژی خود را در منطقه خلیج‌فارس معطوف به کاستن از حجم تنش‌ها کند.

آقای زنگنه بارها از عبارت «دیپلماسی انرژی» یاد کرده است. جلوه‌ای از این دیپلماسی همانا مشارکت در قالب‌های مختلف در راستای نیل به یک استراتژی در حوزه سیاست‌گذاری خارجی و انرژی است. در نظر داشته باشیم که دیپلماسی در واقع ابزار سیاست‌گذاری است. اما این استراتژی الزاما به معنای «رقابت» نیست، بلکه می‌تواند به معنای همکاری برای حفظ و حراست از منابع و منافع باشد. تصمیم اخیر اوپک در دو اجلاس قبلی نیز جلوه‌ای از همین واقعیت است. توصیه من آن است که ایران قرارداد خود با توتال برای فاز ۱۱ را به شکل نوآورانه‌ای تنظیم و به امضا برساند. منظور از نوآورانه این است که تولید گاز از این فاز بر مبنای کمترین هزینه و بیشترین منفعت باشد. این به آن معناست که از حضور توتال برای توسعه‌ی تاسیسات LNG برای حضور در سطح بین‌المللی بهره گرفته شود. حتی در بخش داخلی نیز می‌توان گاز را در قالب CNG تولید و عرضه کرد. انرژی (ازجمله گاز) در ایران به بلای «اتلاف» دچار شده و بنابراین ضرورت دارد که بهترین استفاده با کمترین هزینه از این گاز به عمل آید.

نتیجه‌گیری:

قراردادهای هوشمند انرژی ایران می‌تواند منافع طرفین (یعنی ایران و شرکت‌های بزرگ خارجی) را به شکل مطلوبی تأمین کند. قطعاً به‌تدریج بر گستره‌ی حضور این شرکت‌ها افزوده خواهد شد. از سوی دیگر «دیپلماسی هوشمند انرژی» ایران می‌تواند در منطقه خلیج‌فارس هرگونه دیپلماسی به رهبری آمریکا را به حاشیه ببرد. در واقع دیپلماسی انرژی ایران «جایگزین» هرنوع دیپلماسی آمریکایی‌محور می‌شود؛ در واقع «هوشمندی» از این بابت که دیپلماسی انرژی ایرانی براساس مشارکت و منافع طرفین قرارداد تعریف می‌شود، حال آنکه دیپلماسی «امریکایی‌محور» براساس منازعه به پیش می‌رود.

«کارشناس ارشد بین‌المللی انرژی و رئیس سابق بورس نفت لندن

خبر

واگذاری ماشین‌سازی تبریز قطعی است

● **ایستا:** رئیس سازمان خصوصی‌سازی، واگذاری ماشین‌سازی تبریز را قطعی دانست. علی‌اشرف عبدالله پوری‌حسینی اظهار کرد: شرکت ماشین‌سازی تبریز دو سال پیش، از سوی دولت واگذار شده بود و اکنون نیز واگذاری این شرکت از طریق صندوق بازتسنگی فولاد به بخش خصوصی قطعی شده است. وی ادامه داد: پس از ابلاغ قرارداد، هویت اصلی خریدار این شرکت به مردم اعلام خواهد شد.

دولت در حال پیگیری دریافت پول صادرات پتروشیمی از چین است

● **ایرنا:** معاون وزیر نفت با بیان اینکه در صادرات پتروشیمی به چین مشکلی نداریم و فقط، مشکل در موضوع پرداخت پول ناشی از صادرات است، گفت: این مسئله به جایی رسیده که مقامات ارشد دولت‌های دو کشور باید درباره آن مذاکره کنند.مرضیه شاهدایی درباره صادرات محصولات پتروشیمی و مشکلات مربوط به دریافت پول صادرات به چین، بیان کرد: ما تمهیداتی را اجرا کرده و جلساتی را دراین‌باره برگزار کرده‌ایم. دولت نیز در حال پیگیری این مسئله بوده و از سفر چین نیز توضیحات لازم خواسته شده است. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی افزود: قرار شده، برای رفع این مشکل، با وزیر اقتصاد چین نیز مذاکراتی انجام شود.

کشتی‌رانی ایران به عضویت مؤسسه رده‌بندی بی.وی در آمد

● **مانا:** کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران، با حضور در شوراهای تصمیم‌گیری بین‌المللی و عضویت در مؤسسه رده‌بندی بی.وی (B.V) پاریس، موفقیت دیگری را پس از برجام رقم زد. به گزارش شبکه اطلاع‌رسانی دریایی ایران (مانا)، پس از اجرائی‌شدن برجام حضور کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران در فرایند شوراهای تصمیم‌گیری بین‌المللی بسیار حیاتی و مهم به حساب می‌آید که این شرایط اکنون فراهم شده است.

ابلاغیه جدید جهانگیری

● بر اساس مصوبه ستاد اقتصاد مقاومتی، سازمان امور مالیاتی مکلف به ایجاد ترتیبی برای صدور برگ مالیات قطعی براساس اظهارنامه تسلیمی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط شد.

خبر ویژه

خبر خوش و هدیه اسنپ برای شیرازی‌ها



● اسنپ، اولین و بزرگ‌ترین سامانه هوشمند حمل‌ونقل، پس از گذشت سه سال از تاریخ تأسیس رشد درخورتوجهی را تا امروز تجربه کرده و امروز به‌عنوان بزرگ‌ترین کسب‌وکار آنلاین در ایران شناخته می‌شود. اسنپ پس از گسترش ناوگان خود در کلان‌شهرهای تهران، کرج و اصفهان و سرویس‌دهی به میلیون‌ها مسافر و اشتغال‌زایی برای ده‌ها هزار کاربر راننده، این بار سرویس‌دهی خود را در شهر شیراز آغاز کرده است. به گفته روابط‌عمومی اسنپ، این شرکت برای شهروندان ساکن شیراز با کد تخفیف shirazslam تخفیف ویژه‌ای قائل شده است. سفر کاربرانی که اولین سفرشان را در شهر شیراز با این کد تخفیف به انجام برسانند، تا سقف ۱۵۰ هزار ریال رایگان محاسبه خواهد شد.

چند وقت پیش، توافق کردیم که حداقل برای اینکه ورشکسته نشویم، همان قیمت مصوب چهار سال پیش در اتحادیه را به اجرا بگذاریم. از او درباره شرکت نوتاش می‌پرسم. می‌گوید: «شرکت نوتاش واسطه فروش محصولات شده است. به کارخانه‌داران گفته شما که همه ناپود شدید و نمی‌خواهیم کار کنید، لاقال با این قیمت بفروشید. اگر با این قیمت از شما نخریدند ما از شما می‌خریم».

❖ **یعنی پیش‌خرید کرده؟**

نه. اطمینان خاطر داده که می‌خرد.

❖ **راضی هستید که این شرکت محصولات شما را بفروشد و سه هزار تومان هم از زروی هر تن بردارد؟**

راضی که خب نه. اما از قیمت هفت تا هشت‌هزارو ۵۰۰ که می‌فروختیم بهتر است. آنها می‌گویند با قیمت ۱۵هزار تومان محصول را بفروشید. سه‌هزار تومان را ما برمی‌داریم ۱۲هزار تومان مال شما. هنوز اتفاقی نیفتاده. ما منتظریم که ببینیم ماسه و شر‌های‌مان با این قیمت‌ها بفروش می‌رسد یا نه. سر برج اگر پولش را به ما ندهند، یعنی قرارداد و حرف‌وحدیت‌ها همه باطل می‌شود و می‌رود. ولی اگر پول‌مان را بدهد، ما به حرفش گوش می‌دهیم. این شرکت ۸، ۴ ماهی است که برپا شده، اما یک‌هفته‌ای می‌شود قیمت‌ها را به این شیوه اعمال می‌کند.می‌پرسم شما هم سهامدار این شرکت هستید؟ می‌گوید: «من سهامدار این شرکت نیستم اما برخی معدن‌داران بهم این شرکت را هم خریده‌اند». کمی مکث می‌کند. بعد می‌پرسد از کجا تماس گرفته‌ای؟ پاسخش را می‌دهم. آه می‌کنسد و می‌گوید: «چقدر خوبه، چقدر خوبه».

ادامه می‌دهد: «ما هم با این شرکت درگیر شده‌ایم، اما معدن‌داران دیگر برده‌اند. «نوتاش» اگر قانونمند و درست عمل کند، اجحافی نکرده و محکمه‌پسند عمل کرده، اما اگر دوروازی و پارتی‌بازی کند... به یکی از رفقا سهمیه بیشتری بدهد که اوضاع بد می‌شود. اما برای جلوگیری از ورشکستگی معدن‌داران خوب بود... داغ دلش تازه می‌شود: «۶۰ تا کارخانه در شهریار همه بسته بودند. نمی‌توانستند دیگر کار ادامه دهند. شن و ماسه‌ای که ۱۰هزار تومان تمام می‌شود، معدن‌داران از روی بدبختی و بیچارگی هفت تا هشت هزار تومان می‌فروختند. برای اینکه زندگی‌شان بچرخد... گزوئیل را با قیمت آزاد، یعنی ۶۰۰ تومان می‌خریم. ماشین‌ها را مجانی بار می‌کردیم که بتوانیم هشت هزار تومان بفروشیم». باز هم می‌گوید: «نوتاش کار خوبی کرده... اما اجحاف است. اینکه نوتاش سه هزار تومان برمی‌دارد زیاد است. ظلم است در حق کارخانه‌داران. لاقال اگر هزار تا هزارو ۵۰۰ تومان برمی‌داشت، برای ایاب و ذهاب خوب بود...».



حمزه‌ای در ادامه تأکید می‌کند این‌ هزینه‌ها بدون هزینه حمل بار است و توضیح می‌دهد: این هزینه، بدون قیمت حمل بار و صرفاً قیمت داخل معادن است. بنابراین‌ها که در شرق و شمال تهران هستند، هر تن حدود ۱۰ هزار تومان هم هزینه حمل بار می‌خورند. یعنی هر تن ماسه ۲۵ هزار تومان و هر تن شن، حدود ۲۰ هزار تومان قیمت می‌خورد. رئیس اتحادیه بتن غرب مشکل اصلی را در واسطه‌گری یک شرکت خصوصی می‌داند: کارخانه‌های شن و ماسه، شرکتی را به نام شرکت توسعه‌های مصالح هشت‌تاش، ثبت کردند. این شرکت، شن و ماسه کل معادن را خریداری می‌کرد و به کارخانه‌داران می‌فروخت. در واقع اکنون محصولات معادن، از طریق این شرکت به مردم به فروش می‌رسد. حمزه‌ای مشکل این کار را در انحصاری‌بودن این شرکت و ازبین‌رفتن رقابت در کیفیت محصولات می‌داند. به گفته او، رقابت در کیفیت بتن از این طریق از بین رفت و این شرکت با انحصاری که به وجود آورده، هرچه آنکه بخواید به مردم می‌فروشد.

رئیس اتحادیه بتن غرب این مشکل را یکی از مشکلات بزرگ می‌داند و می‌افزاید: این مشکل بزرگی است که باید از آن جلوگیری شود. ما هم مبارزه می‌کنیم و در این مدت، شن و ماسه از آنها خریداری نکرده‌ایم و فعلاً از شن و ماسه‌هایی موجود خود استفاده کرده‌ایم تا این مشکل را برطرف کنند.

دیگر برده بودیم

«شرق» بر آن شد تا با یکی از معدن‌داران هم‌گفت‌وگویی کوتاه داشته باشد. مسئله این است که مشکلات به قدر کافی آن‌قدر پیچیده است که تنها سدایی که از معدن‌داران هم به گوش می‌رسد، افزایش قیمت از روی ناچاری و برای جلوگیری از ورشکستگی اعلام می‌شود. این صاحب معدن که با لهجه‌ای محلی هم صحبت می‌کند در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: این قیمت‌ها برای چهار سال پیش است؛ الان همه کارخانه‌های بتن و شن و ماسه، بریده‌اند. ۷۰ درصد آنها خوابیده بودند و کار نمی‌کردند. می‌گوید: ما در این مدت زیر قیمت می‌فروختیم، چون اوضاع خراب بود، اما آن‌قدر فشار به ما آمد که مجبور شدیم محصولات را با همان قیمت چهار سال پیش بفروشیم.

او با کلاه ایمنی می‌دهد، رقابتی بین کارخانه‌های مصالح شن و ماسه و بتن افتاده بود که مجبور بودیم با قیمت پایین بفروشیم. اما همین

مبارزه می‌کنیم

علی حمزه‌ای، رئیس اتحادیه بتن غرب هم در گفت‌وگو با «شرق»

می‌گوید: این‌کردن شن و ماسه، گران‌فروشی و تخلف نیست، زیرا این قیمت، قیمت مصوب سال ۹۴ است؛ اما به‌دلیل نبود بازار تقاضا، معدن‌داران، محصول خود را زیر قیمت به کارخانه‌های بتن می‌فروختند.

او ادامه می‌دهد: از آنجاکه این روند، ضرر مداوم برای آنها بود، مجبور به فروش روی قیمت‌های مصوب خود شدند؛ بنابراین قیمت هر تن ماسه، ۱۵ هزار تومان و هر تن شن نیز ۱۰ هزار تومان شد.

ورشکستگی معدن‌داران، فرصت «انحصار» را فراهم کرد

«نوتاش»، سلطان بتن ایران